

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

عبدالجلیل جمیلی

یک شنبه ۲۰ سرطان ۱۳۸۹ / ۱۱ جولای ۲۰۱۰

نظری بر سیر تحولات امور مالی و بودجه ئی دولت

و وزارت امور خارجه افغانستان

قبل از اینکه نظری بر سیر تحولات بودجه ئی وزارت امور خارجه افغانستان انداخته شود بهتر خواهد بود تا سیر تحولات سیستم های مالی و کنترول بودجه ئی دولت افغانستان در ادوار و مراحل مختلفه را سیر نموده و در جریان آن نظر تدقیقی بهتری بر چگونگی اوضاع بودجه ئی وزارت امور خارجه انداخته شود لهذا برای سهولت کار و حل مطلب، در مجموع تمام این مراحل را که مشمول دوره قبل از استرداد استقلال افغانستان باشد و یا بعد از آن (و ۱۹۱۹ م) در چهار قسمت مورد بررسی قرار داده میتوانیم:

الف - مرحله قبل از استرداد استقلال کشور تا سالهای ۱۲۹۸ هجری شمسی مطابق ۱۹۱۹ میلادی

ب - مرحله بعد از ۱۲۹۸ ش و استرداد استقلال وطن و دوره تدوین قوانین (نظامنامه های) جدید.

ج - مرحله بعد از ۷ ثور ۱۳۵۷ و سرآغاز دوره سیر نزولی وضع مالی و انحطاط بودجه ئی با انارشیزم اداری.

د - مرحله بعد از جلسه بن در ۲۰۰۱ م و آغاز خود ارادیت های اداری و برهم خوردن سیستم مالی و بودجه ئی.

الف - مرحله قبل از استرداد استقلال و دوره ای که با محدودیت های اهل خبره و کار و قلت عواید ملی که اکثرآ بر کمک سالیانة پولی خارجی استوار بود که تشکیلات دولتی مکملی هم با بسط و وسعت و عناوین مختلفه وجود نداشته، مامورین عالی رتبه امور دولتی (با مقایسه به وزرای امروزی) ملقب به امین (امانتدار) بوده اند یعنی که ایشان په خپل سر دستی در مصارف عواید دولت نداشتند و با هدایات امراء مرعی الاجرا قرار میگرفت و چنانچه تاریخ گواه است اکثریت تام امراء نیز سعی داشته اند که توازن بین عواید و مصارف را مراعات کرده و صلاحیت کنترول امور مالی را به امین الوجوهات (امنتدار نقدینه ها و هم مانند وزیر مالیه فعلی) تفویض میکردند که در ولایات مستوفی ها و در حکومت های اعلی سررشته داران و در باقی حکومتات محلی و علاقه داریها تحصیلداران و بعد ها مامورین مالیه را مقرر

مینمودند تا مالیات متنوعه را حصول نمایند که همه امور بر طبق مرام پیش میرفت که با همان ظرفیت کوچک امور مالی مالیات اراضی و مواشی (شاخ شماری) و عواید گمرکی، پول های وارده را به خزانه دولت در مرکز انتقال می دادند که وضع و تشکیل بهترین آن را در سیستم مالی و اداری دوره سلطنت مرحوم امیر شیر علی خان میتوان یافت و اولین مرتبه سیستم منظم تدریسی مکتبی و تشکیلات اساسی دولتی و استخدام معلمین و مامورین دولت مرعی گردید و امور پُسته رسانی بین ولایات را تحت عنوان تیم جوانان سوار کار به نام چپر روی کار آورده بودند و اولین مرتبه ای بوده که عواید محصول پُستی با استفاده از تکت پستی منطبعة "منطبعة صکوک" کابل راه اندازی شد.

ب - مرحله بعد از استرداد استقلال وطن یعنی دوره که بازعامت اعلیحضرت مرحوم غازی امان الله شروع می شود و چون خود موصوف بارشد و تربیت در مکتب علمی و ادبی علامه محمود طرزی (بعد ها خسر شان) در مسایل حقوقی و روابط بین المللی و امور تقنینی؛ در زمانش؛ ید طولانی داشتند که حتی گویند که مسوده و یا خاکه اولین قانون اساسی دولت مستقل افغانستان را با مطالعات مسایل جهان بینی خود، خود به رشته تحریر در آورده بودند. که قوانین مالی و بودجه ای دولت یکی از آنها به شمار میرفت. چون پدر مرحومم از جمله اولین دوره فارغان مکتب حکام آغاز سلطنت شان بودند و تمام نظام نامه های جدید (قوانین تدوین شده) جز پروگرام تحصیلی شان بوده و آنها را با خود داشتند تا سالها نی؛ بیشتر از ۴۰ نوع همچون نظام نامه ها را خودم از ایشان گرفته و با خود داشتم که متأسفانه همه اش قربانی زندان شدن و صدقه سر دوست نما های نا بکار و تار و مار شد!

چون بر اساس همین نظام نامه های که بیشترش بر مبنای معلومات مرحوم طرزی و استفاده از منابع مختلف و مخصوصاً تا حدی فرانسوی و اعظماً از ترکی استوار بود سعی به عمل آمده بود تا در همه موارد پرنسیپ های پیشرفته علمی و احتیاجات اجتماعی را مد نظر بگیرند (و چنانچه گویند که اعلیحضرت موصوف تا حد زیادی بر لسان ترکی تسلط هم داشتند)

عده ای ازین نظامنامه ها عیار کننده نظم امور حسابی و عواید و مخارج دولت یعنی موضوعات بودجه ای بود و چون از کمکهای پولی (معاشات مستمری دولت انگلیس!) خبری نبود لذا دولت مجبور بود که همه امور مالی را خود رونق داده و تناسب معیار بین عواید و مصارف خود را خود تنظیم کند و البته با سرعت سیر انکشافی که به راه افتاده بود و فعلاً خارج موضوع بحث ماست، سطح نظم عواید و امور بودجه ای سیر ارتقائی خوبی را در پیش داشت که متأسفانه باز دست دشمن نا بکار؛ شیرازه حکومت ملی فعالی را از افغانستان بر چید که آن دور کوتاه و بی انتظامی ها هم گذرا بود تا اداره کشور تکراراً تا حد زیادی به دست اهل کار افتاده و مسایل مالی و بودجه ای به راه خود استوار شد.

ج - مرحله بعد از ۷ ثور ۱۳۵۷ که اگر درین دور تنها قسمت امور مالی؛ و نه دیگر جوانب زندگی انسانی مردم افغانستان در نظر گرفته شود و نه از طرز اداره و بلکه از بردگی مالی آن گروه مفسد و شیاد بی خدای غاصب اداره امور افغانستان؛ تذکری به عمل آید کافی خواهد بود که بر بنیاد گذار دور سقاوی پدر رحمتی فرستاده شود زیرا از همان آغاز کار یک گروه فاسد به نام؛ جلودار امور شدند این روس و عمالش بودند که امور مملکتی افغانستان را عملاً در قبضه گرفتند و گدینگ های چوبینی به نام افغان در اطراف شان میرقصیدند. در حالی که در اساس؛ سفارت و مشاورین روس اداره کننده افغانستان در همین امور مالی و بودجه ای به حساب میرفتند که کوچکترین انحراف و بی اطاعتی از اوامر شان یا گوشه زندان

خاد صدارت و یا پل چرخى بود و یا جوقة آتشی که (با تکیه کلام همیشگی داکتر شاه ولی و باندش !) که با پولیگون قومندان سید عبدالله معروف - **بوخنوال روس بی خدا در افغانستان** به حساب میرود . و چه حیف است که نتیجه اش عفو دولت متجاوز شوروی از پرداخت غرامت جنگ از طرف دولت فراری استاد بر هان الدین در خواجه بهاولدین (۱۲ سپتمبر ۱۹۹۷) بود که با شغالی شدن امور و سند کشی ۱۰ میلیارد دالری مقروض بودن ملت افغان به پوتین آغا (روس متجاوز بود) که با پیشکش کردن شکمهای کشته ملت تباه شده افغان از طرف دکتور صاحب احدی وزیر مالیه و دویدن ها و سرماندن به حضور تواریش پوتین ؛ سند معافیت آن را به دست آوردند . ولی غرامت گیری از متجاوز دوست نما!- مرد میدان و قدرت ایمان به کار دارد ؟ زیرا افغانستانی که به خود اکتفائی رسیده بود با ظلم و کشتارهای میلیونی زندگی نه بلکه تنازع للبقاء را از صفر شروع کرد !

د - مرحله بعد از جلسه بن یا آغاز خود ارادیت های اداری جهادی و برهم خوردن سیستم مالی و بودجه ئی افغانستان و من جمله در وزارت های کلیدی مانند وزارت امور خارجه و مالیه افغانستان که سر آغاز آنرا میتوان (در از بین بردن مُزورانه وزارت پلان گذاری) جستجو کرد .

و قبل از ینکه برین دوره تبصره نمایم لازم است که مرور کوتاهی بر اساسات و پرنسیپهای حسابی و بودجه ئی تا حد زیادی علمی و مستندی نمائیم که قبل از فاجعه شوم ۷ ثور ۱۳۵۷ بر سیستم محاسباتی افغانستان حکومت می کرد :

الف - امور محاسباتی عواید پولی و نقدی : اصولاً به اساس هدايات قانونی ، وزارت مالیه افغانستان در "دافغانستان بانک" یعنی بانک مرکزی دولتی- تحت نمبر ۶۰۰۱ حساب جاری داشت که تمام عواید دولت ، اعم از پول افغانی و یا اسعار خارجی خواه از داخل افغانستان و یا خارج از کشور (به شمول عواید صکوک و امور قونسل نمایندگی های سیاسی افغانی در خارج) همه بایست بدون قید و شرطی اولاً به همین حساب واریز و قید جمع شده و سپس حسب لزوم دید رسمی برای مصارف عمومی و متفرقه دولت (به شمول تمام مصارف و معاشات و سفر خرچهای خارجی دولت واقساط نمایندگیهای سیاسی در خارج ، طی احکام معینه ای به مصرف میرسید) و چون وزارت امور خارجه تمام بودجه سالیانه و مصارف اسعاری و افغانی خود را در همان چوکات به دست می آورد مکلفیتاً هیأت مسلکی و با صلاحیتی از آن وزارت (مانند نمایندگان هر اداره دولت) در جلسه مالی و بودجه ئی سالیانه دولت در وزارت مالیه حضور به هم رسانیده با پیش کردن بودجه مالی سال آینده (نقدی و مصارف جنسی خود را) از یک پول و سنت تا بلند ترین رقم آن را دفاع کرده و از تصویب کمیسیون می گذشتند و البته بعد از طی مراتب آن در مجلس وزراء و سپس تا نید پارلمان که مراحل قانونی خود را طی می کرد و اجراءات در زمینه عنداللزوم صورت میگرفت که شخصاً خودم دو مرتبه عضویت این هیأت را داشتم . و وزارت امور خارجه که کمتر مشکل بودجه ئی افغانی مرکزی و بیشتر موارد اسعاری نمایندگی های سیاسی در خارج را داشت با طی ۴ ربع سال و باز هم گذشتادن مراتب آن در وزارت مالیه و دافغانستان بانک این حواله جات قابل اجراء شمرده می شد و مدیریت عمومی محاسبه وزارت امور خارجه مکلف بود که تابلوی مکمل تخصیصیه هر ربع سال را قبل از آغاز آن ترتیب و طی مراتب نموده با گرفتن امضای مقام ذیصلاح وزارت امور خارجه ، آن مبالغ را از طریق دافغانستان بانک مستقیماً به هر یک از نمایندگی های سیاسی طور تحویل و به نام رئیس آن نمایندگی انتقال بدهد و مومی الیه نیز مکلف بوده که تمام صورت حساب مصارف و معاشات مربوط به نمایندگی را بعد از ختم هر ربع و یا ۶ ماه و سال تمام به

وزارت امور خارجه حساب داده ، باقیات و صالحات خود را تصفیه نماید و بعضاً برای بررسی همچو مأمولی یک هیأت مسلکی با صلاحیت و بدون اطلاع قبلی به نمایندگی مورد سؤال اعزام می شد که مقصرش مستوجب عقوبت شدید می بود و حتی شنیده بودم که سفیر کبیری را با خاتمه دادن وظیفه ؛ با طی مراتب محاکماتی مجبور به باز پرداخت باقیاتش تا جبران خساره از طریق فروش جایداد و املاک شخصی او مکلف ساخته اند و یا بعد تصفیه باقیات و دوسیه مربوط لزوماً به تقاعد سوق داده اند . اگر احیاناً مصارف فوق العاده و متفرقه بالا تری از تخصیصیه متفرقه وزارت پیش می آمد با یست با طی مراتب آن در مجلس عالی وزراء و صدور فرمان اجرائی آن عنوانی وزیر مالیه ، آن مشکل را سهولت می بخشیدند ولی باز تابع دادن صورت مصرف آن بودند که از قیدیت جمع خلاص شوند و بدین ترتیب سالیانی میگذشت و سالیانی می آمد تا به حکم اینکه ، آن را حساب پاک است از محاسبه چه پاک است ، عملی میگردید .

ب - امور محاسباتی جنسی : اداره ای را که صلاحیت اجرائی این امر را عهده دار بود - مدیریت خدمات مینامیدند و همه بهتر میدانند که چه مرکز وزارت و یا هر نمایندگی از خود و برای ضرورت خود وسایط نقلیه و مفروشات و لوازم متفرقه زیادی داشت که مانند قرطاسیه تابع اسهلاک نبوده فلذا تمام آن با موجودی سالانه و با اضافات و با قید قیم لوازم خریداری شده آن به جمع هر منتظم و یا باشی اداره ای در مرکز و رئیس نمایندگی در خارج قید میبود که مخصوصاً بعد از ختم وظیفه سفیر کبیری - و بعد از موجودی و ترتیب لست جدید آن ، همه را مؤقلاً به شارژدافیر موقت تسلیم میدادند تا با مواصالت سفیر جدید همه را یک به یک به ایشان تسلیم داده و یک کاپی آنرا به مرکز وزارت میفرستاد . که تکرار از قیدیت جمع اولی وضع و در جمع سفیر جدید قید می شد و بدینصورت چه مسایل حواله جات نقدی بودجه ئی و چه اموال و لوازم منقول و غیر منقول دولت (در حقیقت ملکیت مردم افغانستان) از دست برد و اختلاس مصون میماند ولی ای کاش و اگر باز هم دور نوین جهاد یون ثروت پیمای ما و مخصوصاً در وزارت های مالیه و امور خارجه بعضی از روش های متوازن تر حسابی و امور بودجه ئی حتی همان دور شاه محمد دوست روس را (که از آغاز تا انجام ما مور همین وزارت امور خارجه بوده و با درک خوب و بد ؛ انصافاً بی خریطه فیر نمیکرد !!) مراعات می کردند که نکردند - سخن تا به این رسوائیهای مالی و تشکیلات وسیعتر از دولت و مصارف بودجه ئی اسعاری دریایی و دست درازی در عواید ملی نمیرسید خاصتاً با این تفاوت سطح زندگی طبقاتی از صفر افغانی تا میلیارد ها دالری مردمان ما و این دریو زگی و کجکول گردانیها و فساد های اداری و بالنتیجه به بی آبرویی ها به نزد از خود و بیگانه به مردم کور شده ما از دود کباب "موژا خدین" نمیرسید تا اهانت و ناز برداری حمید گل. خود مزدور؟! و این هم مرحله نوین و اگر به صورت کنجکاوانه ای صادقانه سری به همان وزارت امور خارجه بز نیم با استناد به همه شواهد و اسناد معتبر رسیده به نشرات و مطبوعات (رسانه بازیها !) و یا بخش شده از دست و دهن ارکان آن وزارت ؛ به خوبی مشاهده می کنیم که چطور خود سری های ناشیانه بی سابقه داری دولت داری و خود منمی های منفعت جویانه از خونوازی از آغاز همین دور نوین گلها ئی را به آب داده و امور مالی و بودجه ئی همین وزارت موقر را به بیچارگیها و در ماندگی ها کشاندند که درین راه خوش خدمتی (یعنی خموشی سؤال برانگیز وزارت معظم مالیه ما افغانستان (در دور وزارت دو پروفیسور دانشمند گران مقدار افغان یعنی دوکتور اشرف غنی احمدزی و داکتور انورالحق احدی) را در برابر تخطی ها و اجراءات و یا اعمال ضد قانونی دکتور عبد الله وزیر امور خارجه را نباید فراموش کرد که اگر این دو جناب مهد علم و دانش ؛؛ با ترس از مسؤولیت ملی و به حکم وجدان جلو دستبازی های خودسرانه وزیر امور

خارج را میگرقتند و برایش موقع سوء استفاده خودسرانه میلیون ها میلیون دالر یعنی جویهای روان بدون توقف عواید صکوک و امور قونسل از نمایندگی های سیاسی در خارج را نمی دادند که - دادند و چرا؟؟ همه آن قطرات خون و نان و آب همین ملت قربان شده افغان بود که این فرزند ناخلف مجاهدین زر اندوز ما؛ با آن به نام افغان ولی با ناموس ملت درخود وزارت پاک بنیادی و پادارانی مردمی بازی کرد. ای کاش که اگر این نا جوانمرد در زمان قدرت مایشائیش؛ دست نپاکش را از خزینه عواید صکوک و دارانی ملت دور نگه میداشت و خودسرانه به جبهه داران خودی و یا به طور مثال ۵۰۰۰۰۰ دالر آن را به نامردی! با مقام سیاسی نمایندگی دولت نمی بخشید که آن نمایندگی قطعاً به آن پول ضرورت نداشت تا مردم گدای افغان! - امروز دست دولت افغان به درب همسایه های نا جوانمرد تر از خودش دراز نمی ماند.

واقعیت واقعیت است و باید گفته شود که اگر این نمک حرام؛ هم مانند دزد بی خبری با همراهی داره جبهه خود از راه بام بر آن کرسی نزول اجلال نمی فرمود که کسی را هم یارای آن نبود؛ برای شان بگوید که ابروها بالای چشم تان است و شمه ای از خوان همان پدر اندر دانشمند و پاک و با شخصیتش (مرحوم زمریالی) بهره می برد امروز عبدالله جانی نمی بود که ناموس همکارش در همان وزارت موقر لکه دار و طلاق و دارانی و ماهیت وطن را زهر مار نکرده و امروز پالیسی سادوگری و کهنه زری کوی پشت درب تاج بخشان تمسخر کنان بر خود او را اختیار نمی کرد و خوب بیاد دارند که همین چهره خود مختار بودند؛ که با اولین برخورد مشکل مالی و بودجه ای دولت و شنیدن صدای زنگ عواید سر شار صکوک و امور قونسل در نمایندگی های سیاسی در خارج؛؛ با مشورت استادانه ای به همه سفار تخانه ها و جنرال قونسلگری های افغانی ارشاد فرمودند (البته تلفونی و شفاهی که انکارش طرد از کرسی به شمار میرفت) که تمام عواید صکوک خود را؛ نه به حساب خزینه دولت مرکزی و مانند همیشه و بلکه مستقیماً به حساب جدید افتتاح جنرال قونسلگری افغانستان در بن (که جناب جنرال قونسل- پسر خاله حضرت استاد پرهان الدین- هزار درصد معتمد نقد و جنس جهاد انه در پشاور هم بودند) بدون کم و کاست انتقال بدهند و یقیناً با یک تفاهم شفاهی با وزرای محترم دانشمند مالیه و ذیب زده بر لب و چلیبائی بر حساب ۶۰۰۱ عواید مجموعی و مرکزی دولت در دافغانستان بانک که بر حسب احکام قانون؛ در دولت های تا قبل از ایشان؛ کسی را حق و جرأت نبود که یک پول و یا سنت عواید اصلی دولت را دست بزنند و تمام آن را (به گفته بزرگان ما- از سنار تا شاهی) حساب می دادند؛ که با این فرمان شفاهی عبدالله خان هیچ عایدی به حساب بیت المال نرفت بلکه همه اش در حساب خصوصی بیت الاخوان انتقال میشد (و تابع متلی که شراب مفت را قاضی هم می خورد!!) و در پهلوی اقدامات په خیل سر هم با تعیینات پندا نده شده بی سابقه به راه افتاد و در یک چشم زدن برای کشوری که دُم موش در کندویش سفید نمی شد (برای پیدا کردن کرسی سیاسی و جای پائی برای اهل دستر خوان جبهه و راضی نگهداری شان که البته مانند نظامی؛؛ اهلیت و مسلکیت ارزش توت را هم نداشت ۲۴ سفارتکبرای افغانی در خارج را به ۵۱ و ۴ جنرال قونسلگری را به ۱۶ ارتقاء دادند و در مدت بسیار محدودی تشکیل یک وزارت ۳۷۵ نفری را (کادر مرکزی و نمایندگیهای سیاسی در خارج را) به ۵۷۵ کرسی رساندند که البته گرفتن امضای مقام دولت بی دخل چرت زنی هم به کار نداشت! این هم در حالی که به اساس رویه بالمثل با یست و لزوماً همه ۵۱ کشور متقابل نیز در کابل سفیر کبیر مقیم میداشتند ولی بعضی از ایشان ازین تصمیم یکطرفه عبدالله خانی (البته با تعجبی که آن ها یک سنت خود را

بی مورد مصرف نمی کنند؛ اعزام سفیر کبیری را به افغانستان خود گدا؛ بی لزوم خواندند که عبدالله گل ما مانند همیشه هیچ چیز را به روی خود نگرفت و نمونه نیکوی آن به طور مثال تصمیم دول ناروی و اسپانیه است که درین ملک پسر مرده حتی جناب داکتر سینتای دانشمند هم درین لحاف مکروبیگ شان مصاب شدند و امروز هرافغانی حق دارد بیرسد که معاش و خرچ رویائی سفیر روز گم بی مسلک ماموریت دولتی ندیده به سفارت رسیده داکتر صاحب چشم ملت در مادرید را جز جیب ملت کی میبردازد - وه چه روز گاریست که دزدی فریاد دزد بگیری و قاتل ناموس ملت برای روز گار بد ملت افغان اشک ریزی میکند!! اگرچه بعد از رفع زحمت داکتر عبدالله خان از آن وزارت آبرورفته مفلس! - باز هم احدی از جناب رئیس جمهور گرفته تا وزرای عالی مقام مالیه و دیوان محاسبات را جرأتی نبود که از جناب پرکتی مرحوم زمربالی بپرسند که عواید ملت را چه آفت رسید و پولش کجاست؟ ولی باز هم جناب دوکتور سپنتا زیر عنوان کنترل عواید و مصارف مالی چند دور هیأت های مفتشینی را از مرکز وزارت به نمایندگی ها اعزام کردند و چون باز هم ریاستش را "باظر و" داماد داماد استاد برهان الدین به عهده داشتند و بی بهره از امور حسابی! آنچه شنیده شد که به چند نمایندگی سیاسی تشریف برده و مهمانی خورده و البته با اسنادی رهسپار کابل شدند که راپوری بود از خیریت! و چون سخن به مطبوعات کشید و اسنادی به میدان! باز هم هیأت های بعدی؛ قلیل و کثیری از دست بازی ها - حیف و میل عواید بی بند و بارانه یا به مصرف رساندن خود مختارانه آن عواید را با تفصیلی که اصلاً قیمت فروش تکت صکوک و عواید امور قونسلئ اساساً ثبت دفتر اساس نشده است یا برای خریدارهای لوازم بدون استیذان اضافه از ضرورت به مصرف رسانیده اند تذکراتی داشته ولی عموماً بی آب ودانه یعنی که نه از فایل و لست موجودی اشیاء و نه از قیمت خرید اثری و نه از اطلاعیه رسمی آن به مرکز وزارت خبری! که حتی بعضی از اصل اموال و اشیای خریداری شده از پول صکوک وجود ظاهری نداشته اند! و مثلاً جناب وهاب آصفی داماد والای حضرت استاد یکه سفارت مسکو را روفت و به داماد عزیز دیگر شان (جناب احمد ضیا مسعود!) بفروخت آن چنان و مستانه عواید سرشارش را بلعیدند که گوشت بر استخوانش نماند تا قیمت ویلا های دویی را کار سازی کند و شارژ دافر صاحب با (غیرت!) هم که خود ماهر تر از استادان بود و کهنه کار قدیم - و از یاران شاطر عهد تجاوز ۷ ثور ۱۳۵۷ - چون پس ماندنش را از جبهه سواران بی غیرتی می شمرد در راه نیش قبر عواید و دعوت نامه بازی های پر درآمد تر از عواید صکوک چنان به سهولت خود را به دایره حلال کردن هارسانید که با هم وزنی اسم مبارکش (غیرت) و لنگر داری خودی در مسکو؛؛ رئیس بی مثال مؤسسه تربیت کادر سیاسی در مرکز وزارت شد و پرانچه تر در راه صدر نشینی یکی از سفارتکبراهای بخت برگشته افغانستان! و اگر وزیر خارجه گرامی با حوصله تر از رئیس دولت ما - به زودی نجنبند - خدا نا خواسته کار این وزارت بی زبان به دامنه های نخاس خواهد کشید و کجا خواهد بود شاعر جگر سوخته دیگر افغان که همچو فریادی را از نو برآرد و به گوش اهل خیره برساند:

اگر به نیم بیضه عبُدل ستم روا دارد کشند غلامان او هزار مرغ به سیخ

اگر ز باغ رعیت هم او خورد سیبی کشند غلامان او درخت از بیخ

داکتر عبدالله جان سرگردان جهان برده گیر صد ها گلی به آب داده و کاسه عواید و بودجه ملت فقیر افغان را واژگون کرده به هر گوشه ای از جهان چوری زده روان است تا اگر به مراد ارگ گیری برسد و این بیچاره نمیداند و یانمی خواهد بداند که همه این سلمانی ها؛ مسلکی کهنه کاری اند که طی قرون متمادی

صد ها سر و سر دارو امرای ما را تا لاتی ها و از خلق و پرچم گرفته تا استادان جهاد نما تر کرده اند مگر یکی اش را کل نه؟! و چه بهتر خوا هد بود که قبل از اینکه روزی برسد که ملت افغان ذره ذره عواقب اعمال نا شایستش را با دارائی و عواید مشروع ملی شان را از حلقوم او و هر یکی از اهل زور و قارون با حکم عدالت و زور و فشار قانون از ایشان بستاند بر هر یک شان از همین حالا یک فریضه افغانی و ملیست که با طلب استغفار و اعاده داراییهای منقول و غیر منقول ملی؛ پوست خود را از سوختن در آتش غضب مردم حق تلف شده افغان برهاند و بعد از ان کاری کنند تا جبران کننده بیچارگی های تا امروز شان در برابر خدا و خلق باشد. قلب و دامن این ملت خو گرفته به ستم بسیار فراخ تر از آن است که این پیش پا بینان می اندیشند.

و این پیشنهادیست که ممکن است با استاده بودن در وطن به پای بیگانه ها - به نظر شان تمسخر آمیز آید ولی آنچه تاریخ گذشته و مدارک مستند عبرت دهنده این کشور همیشه بلا کشیده به یاد دارد این است که هر زمانی که پای عدالت راستین به میان آمده دست عدالت شعار حقوق مردمی به گلوی فرعون مآبان غاصب و چپاول گر رسیده - صحنه ای را به نمایش گذاشته که قانون آسمانی و عدالت اسلامی را با کمال صلابت و استواری آن به نمایش گذاشته است که بایست استادان الازهر نشان و شاگردان پیرو شان؛ ولو که از سوگندی بر قرآن پاک در خانه خدا نامؤدانه تخطی کرده اند؛ این قضاوت خداوندی در هر دو کونین را مد نظر داشته باشند زیرا جبران حق العبد الزامیست که خالق کون و مکان صلاحیت و حق عفو حقوق العباد را به بنده های حق تلف شده شان تفویض کرده اند و بس. و من الله التوفیق